تصميم گيرى و قاطعيت

اگر انسان بخواهد در هر كارى موفق شود, ابتدا بايد تصميمى درست بگيرد و سپس آن را با قاطعيت انجام دهد. پيروزى در هر كارى بستگى به تصميم گيرى و قاطعيت دارد. اگر تمام افراد بشر را بازيگر مسابقه زندگى بناميم, مى توان به جرأت گفت: آنان دو دسته هستند: يك گروه فقط نظاره گر حوادث و پيش آمدهاى زندگى اند و براى پيشبرد زندگى خود قدرت تصميم گيرى ندارند; بنابراين در اين مسابقه شكست مى خورند و نمى توانند آن را به نفع خود تمام كنند; اين گروه بازندگان اند.

اما گروه دوم, افراد پيروزمند و برندگان مسابقه هستند. آن ها با تصميم گيرى درست, برنامه زندگى خود را طرح ريزى مى كنند. اينان هم به خود و هم به ديگران بهره مى رسانند.

افراد تصميم گير درحقيقت ناخداى كشتى زندگى خويش هستند و در سيلاب زندگى غرق نخواهند شد, برعكس, كسانى كه تصميمى نمى گيرند مانند خس و خاشاكى بى جان هستند كه سيلاب آن ها را با خود خواهد برد. البته به هر اندازه كه تصميم گيرى درست در تمام مراحل زندگى ضامن موفقيت و پيروزى براى فرد است به همان اندازه تصميم گيرى ناصحيح او را از نيل به مطلوب بازمى دارد. همين گونه است تصميم درستى كه با قاطعيت همراه نباشد; يعنى به مرحله اجرا درنيايد. اين تصميم گيرى (تصميم گيرى درست بدون قاطعيت) به همان اندازه غير مفيد است كه تصميم گيرى غلط, غير مطلوب است.

[ قاطعيت و تصميم گيرى در مردان بزرگ

يكى از رموز موفقيت مردان بزرگ, تصميم گيرى و قاطعيت است. در واقع اين فاكتورِ بسيار مهم, راه را براى صعود اين مردان بزرگ به مراتب عالى هموار كرده است.

نمونه هاى فراوانى از اين گونه افراد داريم كه هريك سرمشق و الگويى شايسته براى جوانان مى باشند. در اين جا به چند تن از اين مردان موفق اشاره مى كنيم:

آلبرت انيشتن در آزمايش ورودى كالج مردود شد, ولى با تصميم گيرى درست و قاطعيت در عمل به آن به قله رفيع افتخار نايل آمد. گاليله نيز از كارگاه خياطى به صحنه تاريخ قدم نهاد.

(رستم فرخ زاد, فرمانده كل نيروهاى ايران در قادسيه از فرمانده كل نيروهاى اسلام نماينده اى خواست. سعد وقاص, فرمانده كل قوا (ربعى بن عامر) را فرستاد. قاطعيت و تصميم و اراده يك عرب بيابانى, رستم را مبهوت و مرعوب ساخت. او وقتى وارد بارگاه رستم گرديد, ديد رستم روى تخت زرين نشسته است و در بارگاه او فرش هاى عالى گسترده شده و متكاهاى زربافت نهاده اند. اين مظاهر فريبنده كه پيش يك مرد با اراده پشيزى ارزش ندارد, ذره اى از استحكام اراده او نكاست. وقتى به بساط رستم نزديك شد, اسب خود را نهيب داد و با اسب وارد خرگاه رستم گرديد. مأمورين خواستند از ورود او با اين حالت جلوگيرى كنند. او گفت: شما از ما نماينده خواسته ايد و من به عنوان نماينده مسلمانان آمده ام. اگر نمى خواهيد برمى گردم. او با كمال وقار و طمأنينه, در حالى كه قدم هاى خود را كوچك برمى داشت, تا نزديك تخت رستم آمد. فرش ها را عقب زد و روى خاك نشست و گفت: ما به اين زيورها عادت نكرده ايم. مترجم رستم از نماينده مسلمانان از علت يورش آن ها و هجوم سپاه اسلام پرسيد. او در پاسخ گفت: خدا ما را مبعوث كرد تا بندگان خدا را از ظلم و فشار دنيا برهانيم و آن ها را به آيين اسلام رهبرى كنيم. اگر سخن ما را پذيرفتند, با آن ها كارى نداريم والاّ با آن ها نبرد مى كنيم. اگر بكشيم و يا كشته شويم, به بهشت مى رويم.

صلابت و رسوخ اراده اين مرد بيابانى رستم را مبهوت ساخت و گفت: براى ما مهلت بدهيد كه با بزرگان خود مكاتبه كنيم و مشورت كنيم. نماينده اسلام گفت: ما مى توانيم تا سه روز مهلت بدهيم و تأخير بيش از آن درست نيست. رستم گفت: معلوم است تو فرمانده كل قوا هستى كه مى توانى با ما قرار بگذارى. گفت: نه من فردى از مسلمانان هستم ولى همه مسلمانان يك پيكر و اعضاى يك بدنند, اگر يكى از آن ها امان داد, بر ديگران لازم است امان او را بپذيرند.)1

مولاى متقيان از مظاهر بزرگ قاطعيت و قوّت اراده بود. ايشان در نامه اى كه به يكى از فرمان داران نوشته بود, مى گويد: به خدا سوگند, اگر همه عرب بر ضد من بسيج شوند, من هرگز به آن ها پشت نمى كنم. امام خمينى با وجود آن كه از سوى ظالمان بسيار شكنجه و آزار شد و چند سالى از شهر و ديار خويش تبعيد شده بود, ذره اى از اراده و تصميم خود برنگشت. او پس از سال ها دورى از وطن, دوباره با اراده اى آهنين به ايران بازگشت و در ميان جمعيت فراوانى از مردم در بهشت زهرا فرمود: (من دولت تعيين مى كنم, من به پشتيبانى اين ملت دولت تعيين مى كنم). ايشان با قاطعيت تمام, تصميم خود را عملى كردند و دولت جمهورى اسلامى را بنا نهادند.

ايمان به خدا, سرچشمه نشاط و مايه موفقيت در هر كارى است. ايمان به خدا, محرك فعاليت و كوشش مثبت در زندگى است. اگر ايمان محكم شود و در اعماق قلب آدمى رسوخ كند, باعث مى شود انسان در تصميم خود قاطع باشد و هرقدر هم تحت شكنجه و فشار قرار گيرد هرگز تزلزلى در اراده و تصميم او به وجود نيايد. امام صادق(ع) مى فرمايند: (المؤمن اَصلَبُ مِن الجبل, تُستَقَلُّ مِنه والمُومن لايُستَقلُّ مِن دينه شىء;2 مؤمن از كوه سخت تر است, از كوه كم مى شود, ولى از دين مؤمن ابداً چيزى كم و كاسته نمى شود.)

على(ع) اين مرد بزرگ الهى وقتى تصميم مى گيرد از دينش محافظت كند, جان خود را در راه هدفش تقديم مى كند. بنابراين وقتى متوجه مى شود مشركان مى خواهند شب هنگام پيامبر(ص) را به شهادت برسانند, تصميم مى گيرد براى خشنودى خدا و زنده ماندن پيامبر كه در واقع زنده ماندن دين خدا بود, در بستر پيامبر(ص) بخوابد و جان او را نجات دهد. واقعاً چه چيزى غير از عشق و ايمان به خدا باعث مى شود تا على(ع) جان خود را در راه تصميمش نثار كند.

ييكى ديگر از عوامل تأثيرگذار در قاطعيت, ايمان و عشق به هدف است. اگر انسان ايمان به هدف پيدا كند, در خواب و بيدارى جز صورت هدف چيزى نمى بيند; بنابراين با قاطعيت تمام براى رسيدن به آن تلاش مى كند. در واقع ايمان به هدف, عشق و اميد و دل گرمى به انسان مى دهد و مقصد و جهت را براى او روشن مى كند.

[ لزوم شناخت هدف و راه و ابزار در تصميم گيرى

اگر انسان هدف خود را بشناسد و از راه هاى رسيدن به آن هدف آگاهى پيدا كند, قدرت تصميم گيرى او بهتر و بيشتر مى شود. امام صادق(ع) مى فرمايند: (العالم بزمانه لاتهجم عليه اللوابس;3 كسى كه به اوضاع زمان و روزگار خود آشنا باشد, هرگز مورد هجوم امور ناگهانى واقع نمى شود.)

شناخت اوضاع زمان موجب مى شود انسان در تصميم گيرى موفق تر عمل كند. اگر انسان بداند در راه رسيدن به هدف بايد از چه راهى برود و از چه ابزارى استفاده كند, در حقيقت نيمى از راه را طى كرده است. ابزار كار به انسان قوت قلب مى دهد و او را در تصميم گيرى صحيح و دقيق يارى مى دهد.

[ راه هاى تحصيل قاطعيت

قاطعيت در تصميم گيرى و عمل به آن منوط به عواملى است. يكى از اين عوامل, اعتماد به نفس است, زيرا اعتماد به نفس موجب مى شود انسان خود را بزرگ بداند. بنابراين مى تواند كارهايى بزرگ هم انجام دهد. خودشناسى كه خداشناسى را به دنبال دارد, انسان را در تصميم گيرى هاى صحيح كمك مى كند و باعث مى شود تا لگام اراده را به دست هوا و هوس ندهد و پس از تشخيص سود و زيان كار با قاطعيت هرچه محكم تر هدف را تعقيب كند. هدف و راه و ابزار در تصميم گيرى, بسيار ضرورى و حياتى است.

[ عوامل تزلزل در اراده و تصميم گيرى

رو به رو نشدن با حقايق زندگى و مشكلات گوناگون, قدرت تصميم گيرى لازم را از انسان مى گيرد. هم چنين ترديد و دودلى نيز در اراده و تصميم گيرى تزلزل ايجاد مى كند. ترديد, ضربه محكمى بر فكر و انديشه انسان مى زند و مانع تصميم گيرى صحيح انسان مى شود. اسكندر مى گويد: (يكى از رموز كاميابى من, قاطعيت و اجراى تصميم بود; از تذبذب و دودلى پس از تصميم بيزار بودم.)4

ضعف اراده نيز در تصميم گيرى تزلزل ايجاد مى كند. اگر اراده انسان به دست عقل و خرد باشد, تصميم گيرى به نحو احسن صورت مى گيرد; اما اگر اراده او به دست هوا و هوس باشد, در لب پرتگاه سقوط قرار مى گيرد و نمى تواند تصميمى درست اتخاذ كند.

عوامل ديگرى كه در اين امر دخيل هستند, عبارت اند از: بدبينى, بدگمانى و نااميدى. ظهور يأس و نااميدى در انسان, قدرت تصميم گيرى او را كم مى كند. ناپلئون مى گويد: (بايد كلمه سنمى شودز از قاموس زندگى و از لغت محو گردد.)5

[ موانع تصميم گيرى و قاطعيت

آن چه مانع از تصميم گيرى و قاطعيت مى شود, سستى و تنبلى و عادات بد است. افراد بى اراده خود را به پيش آمدهاى زندگى عادت مى دهند و مانند عروسكى خود را موظف به انجام كارهاى تكرارى مى دانند. اين گونه افراد از عقل خويش براى بهره گيرى بهتر از زندگى استفاده نمى كنند.

ترس نيز از جمله موارد مهمى است كه مانع تصميم گيرى مى شود. به جرأت مى توان گفت: (ترس, قوى ترين انگيزه منفى و بزرگ ترين مانع پيشرفت زندگى است. ترس مانع فعاليت, وحشت آفرين و سدكننده راه است. ترس, طرح ها را ويران و رسيدن به هدف را با شكست مواجه مى كند.)6

افراد ترسو قدرت تصميم گيرى ندارند, زيرا مى ترسند در رسيدن به هدف شكست بخورند. آنان شكست را نابودى مى دانند, برخلاف روشن فكران كه شكست را تجربه مى دانند.

پى نوشت ها:

1ـ جعفر سبحانى, رمز پيروزى مردان بزرگ, ص113.

2ـ بحارالانوار, ج67, ص362.

3ـ اصول كافى, باب العقل والجهل, ح29.

4ـ جعفر سبحانى, همان, ص115.

5 همان, ص117.

6ـ دنيس ويتلى, روانشناسى پيروزى (رموز دهگانه موفقيت) ترجمه ع. شايق, ص117.